

# پیست زخمِ کاری

محمود حسینی زاد



نمبر ۱۳۳۵



**ونگ** گربه‌ای از لابه‌لای اطلسی‌های خیسِ دورتادور تراس.  
آوای قورباغه‌ای از سمت برکه‌ی کنار دیوارِ شمالی باغ.  
خش‌خش ملایم سرشاخه‌های درخت‌ها در نسیمی که از سمت کوه می‌وزد.

**مرد چشم باز می‌کند**، به پهلو می‌غلتد. روانداز نازکش می‌رود کنار. خنکای از پنجره‌ی باز‌تورزده را روی پشت و شانه‌ها حس می‌کند.  
خیره به دیوار روبه‌رو، گوش می‌سپرد به ونگ گربه و قورقور قورباغه و خش‌خش برگ‌ها.

**با حوله**، بخارِ روی آینه را پاک می‌کند. دست می‌کشد به صورتش. صافِ صاف. دستی می‌کشد به اندک چروکِ زیر چشم‌ها، و لب پایین را پایین. نگاهی می‌اندازد به دندان‌ها. دست دراز می‌کند و از بین انواع بطری و قوطی، لوسیونی را برمی‌دارد، کمی از مایع می‌ریزد کفِ دست، می‌مالد به صورت و گردن و پشتِ گردن. دست دراز می‌کند و ادکلنی برمی‌دارد و کفِ دست را پُر می‌کند و دست‌ها را به هم می‌مالد و می‌سرازند به زیر بغل‌ها و روی پهلوها و شکم. برمی‌گردد و در آینه‌ی بزرگ روبه‌روی وان به سرتاپای خود نگاه می‌کند. پوستش در انعکاس سیاهی مرمر دیوارها، سرخی سرامیک کف و طلایی وان و دست‌شویی‌ها، شفاف‌تر می‌زند. دستی به شکم می‌کشد، دستی به موهای مرطوب سینه، بعد با هر دو دست گوشت اضافی شکم و پهلوها را چنگ می‌زند. باز دست‌ها را